

## گزارش

**معرفی نخست‌وزیر عراق پس از ۱۶۷ روز بی‌ست در ساختار سیاسی**

## وعده‌های «الزیدی» برای خروج از بحران

**شرق**؛ پس از ۱۶۷ روز بی‌ست فلج‌کننده سیاسی در بغداد، نزار آمیدی، رئیس‌جمهور عراق، علی‌الزیدی را به‌عنوان نخست‌وزیر جدید معرفی کرد. این انتخاب که تحت فشار اولتیماتوم واشنگتن و با اجماع جریان‌های سیاسی صورت گرفت، تلاشی برای عبور از بحران تشکیل دولت و بازگشت ثبات به ساختار اجرایی کشور محسوب می‌شود.

دوشنبه‌شب، بغداد شاهد پایانی بر انتظار پنج ماه و نیمه‌ای بود که پس از انتخابات نوامبر ۲۰۲۵، پایتخت عراق را در بلاتکلیفی فرو برده بود. نزار آمیدی، رئیس‌جمهور عراق، در بیانی‌های رسمی، علی‌الزیدی را که به‌عنوان کاندیدای بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمانی معرفی شده بود، مأمور تشکیل دولت کرد. الزیدی که سابقه فعالیت در حوزه‌های بانکی و رسانه‌ای را دارد، در حالی این مسئولیت را می‌پذیرد که کشور با چالش‌های عمیق ساختاری و فشارهای بین‌المللی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو است. این جابه‌جایی قدرت در لایه‌های بالایی سیاست عراق، بازتاب‌دهنده ضرورت‌های جدیدی است که پس از هشدارهای صریح ایالات متحده بر این کشور تحمیل شده است.

معرفی علی‌الزیدی به‌عنوان یک چهره‌ظاهرا میانه‌ه و مصالحه‌جو، خروجی مستقیم نشست‌های فشرده و بحرانی گروه‌های سیاسی در چارچوب هماهنگی بود. این ائتلاف که پیش‌تر نوری المالکی، نخست‌وزیر اسبق عراق را برای این سمت در نظر گرفته بود، پس از تهدید دونالد ترامپ به بازنگری در گزینه‌های خود شد. رئیس‌جمهور آمریکا در ماه ژانویه به جریان‌های حصار داده بود که بازگشت نوری المالکی و چهره‌های نزدیک به جریانش‌خاص به قدرت، به منافع قطع کامل حمایت‌های واشنگتن از عراق خواهد بود. این فشار دیپلماتیک مؤثر واقع شد و نوری المالکی و محمد شیاع السوداني، نخست‌وزیر موقت، انصراف خود را اعلام کردند تا راه برای گزینه‌ای کمتر تنش‌زا هموار شود.

ساختار حکمرانی در عراق که پس از سال ۲۰۰۳ و براساس مدل تقسیم قدرت قومی–مذهبی بنا شده، بار دیگر نشان داد که بدون اجماع بازیگران خارجی، قادر به خروج از بن‌بست‌های خودساخته نیست. در این سیستم که شباهت‌های بسیاری به مدل سیاسی لبنان دارد، ریاست‌جمهوری به کردها، نخست‌وزیری به جریانش‌اکثریت و ریاست پارلمان به اعراب سنی اختصاص یافته است. علی‌الزیدی که تا پیش از این هرگز بیست دولتی نداشته، اکنون باید در این نظام موازنه قوا، دولتی را تشکیل دهد که هم‌زمان رضایت جریان‌های داخلی و متحدان بین‌المللی را جلب کند. بااین‌حال، ناشناسانه‌بودن او در محافل سیاسی این نگرانی را ایجاد کرده که او ممکن است به مهره‌ای برای پیشبرد اهداف جریان‌های قدرتمند پشت پرده تبدیل شود. بسیاری از تحلیلگران معتقدند انتخاب الزیدی محصول یک فرآیند تصادفی نبوده، بلکه تلاشی هوشمندانه برای استقرار یک رهبری منعطف در بغداد است. یک نخست‌وزیر بدون پایگاه قدرت مستقل، در عمل توانایی کمتری برای مقابله با فعالیت جریان‌های صاحب قدرت و نفوذ خواهد داشت.

### سایه بانکداری خاکستری بر دولت

کارنامه اقتصادی علی‌الزیدی، به‌ویژه در حوزه بانکی، از همین ابتدا با پرسش‌های جدی و نظارت‌های بین‌المللی همراه شده است. او که ریاست بانک اسلامی الجنوب را بر عهده داشته، اکنون از سوی برخی جریانش‌های رسانه‌ها با اتهاماتی در زمینه فساد مالی و تبانی روبه‌رو است. گزارش‌های منتشرشده در نشریات تخصصی مانند عرب ویکلی در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد برخی بانک‌های خصوصی در عراق، ازجمله بانک تحت مدیریت الزیدی، به‌عنوان اجزای برای دوزدن تحریم‌های بین‌المللی و پول‌شویی برای نهادهای فرارمزی استفاده شده‌اند. این ادعاها که مالکیت این بانک‌ها را به شخصیت‌های مرتبط با گروه‌های نظامی پیوند می‌دهد، تهدیدی جدی برای ثبات اقتصادی و اعتبار سیستم مالی عراق در بازارهای جهانی تلقی می‌شود.



موضوع‌گیری‌های اخیر مقامات واشنگتن در قبال استفاده غیرقانونی از دلار در سیستم بانکی بغداد، فشار بر دولت جدید را دوجندان کرده است. الزیدی که دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته مالی است و مالکیت مراکز خرید تعاون در بغداد را نیز در اختیار دارد، باید ثابت کند می‌تواند مهره‌ای روشنی میان فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و الزامات نظارتی بین‌المللی ایجاد کند. بااین‌حال، سوابق مالکیت شبکه‌های رسانه‌ای مانند دجله و نفوذ اقتصادی‌اش در بازارهای داخلی، او را در کانون توجه نهادهای نظارتی قرار داده است که نگران تداخل منافع شخصی با مسئولیت‌های حاکمیتی هستند.

### مدل لبنانی در عراق

با وجود این چالش‌ها، انتصاب الزیدی با استقبال محتاطانه بخشی از نخبگان سیاسی مواجه شده است که از بی‌بست طولانی‌مدت سیاسی عراق خسته شده‌اند. نزار آمیدی، رئیس‌جمهور عراق، این اقدام را در راستای مسئولیت‌های قانون اساسی و برآمده از اراده بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمانی دانست. هیبت الحلبوسی، رئیس پارلمان و حتی قیس الخزعلی، رهبر گروه عصابت اهل‌الحق نیز از این انتخاب حمایت کرده‌اند. از سوی دیگر، مسرور بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم کردستان، در تماسی تلفنی ضمن تبریک به الزیدی، بر ضرورت حل اختلافات دوجانبه براساس قانون اساسی و آغاز دورانی جدید از صلح و ثبات تأکید کرد. این هم‌گرایی شکننده، نشان‌دهنده تمایل عمومی برای پایان‌دادن به وضعیت گذار و آغاز فعالیت‌های اجرایی دولت است. الزیدی در نخستین واکنش خود، از اعتماد رئیس‌جمهور و فراکسیون‌های سیاسی قدردانی کرد و وعده داد که دولتی پاسخ‌گو برای برآوردن مطالبات شهروندان و تقویت امنیت تشکیل دهد. او که اکنون بر لبه تیغ راه می‌رود، باید توازنی دشوار میان مطالبات گروه‌های فشار داخلی و الزامات ناشی از اولتیماتوم‌های بین‌المللی برقرار کند. آینده عراق در سال ۲۰۲۶، بیش از هر چیز به این بستگی دارد که آیا نخست‌وزیر جدید می‌تواند از سایه اتهامات مالی و نفوذ جریان‌های غیررسمی خارج نشود، یا اینکه بغداد همچنان به‌عنوان صحنه رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در دایره بسته ناکارآمدی باقی خواهد ماند.

در تصویری کنیم که همیشه در باید روی یک پاشنه بچرخد؟ ما در مسانل افغانستان، عراق و دیکر مذاکره کردیم و هیچ اتفاق خاصی نیفتاد. حتی در آمریکایی‌ها رودررو مذاکره کردیم و شام خانکی میل کنده همه اینها از مسابقه فوتبال ایران و آمریکا که ایران دو بر یک پیروز شد، عابدزاده به کاپیتان آمریکایی دسته گل داد و جنجال شد که چرا این کار را انجام دادند! اینها محدودیت‌های ذهنی بود که آقای هاشمی مخالف آن بود. همیشه نگاه منطعف، معتدل و بازی داشت.

در جای دیگر ایشان معتقد بودند می‌توانیم به جای جنگ و تقابل، با عربستان نیز تعامل داشته باشیم، مثلا ملک عبدالله نامه‌هایی برای ایشان نوشت و دو بار از آقای هاشمی دعوت کرد، درحالی‌که همان زمان از رئیس‌جمهور وقت یعنی روحانی دعوت نکرده بود. در پایان همان نامه نوشته‌بود «اِحوکم عبدالله». این نشان‌دهنده منزلی بود که آقای هاشمی در منطقه و به‌ویژه برای عربستانی‌ها داشت. بد نیست این را هم نقل کنیم که وقتی ملک عبدالله به ایران آمد، مستقیم به خانه آقای هاشمی رفت و شب را آنجا شام خورد؛ کاری که کاملا خلاف پروتکل دیپلماتیک بود. حتی شام را هم از بیرون سفارش ندادند و خانم مرعشی، همسر آقای هاشمی، غذای خانگی درست کردند. تا این حد صمیمیت بین مرحوم آیت‌الله هاشمی و ملک عبدالله شکل گرفته بود؛ حتی این از کجا می‌آید که یک مقام بلندپایه عربستانی همه پروتکل‌های دیپلماتیک را بشکند و شب در منزل رئیس‌جمهور سابق بماند و شام خانکی میل کند! همه اینها از نگاه باز و معتدل آیت‌الله هاشمی می‌آمد. خلاصه آنکه آقای هاشمی براساس واقع‌بینی عمل می‌کرد و تجربه امروز نیز نشان می‌دهد این رویکرد کارآمدتر است. روش‌هایی مانند مکانته یا نشستن در اتاق‌های جداگانه، مذاکره غیرمستقیم و… روش‌های مطلوبی به نظر نمی‌رسند.

**۴** **اکنون ۱۰ سال از آن ماجرا گذشته است. به نظر خودتان، اگر آیت‌الله هاشمی هنوز در قید حیات بودند، با وجود دو جنگ تحمیلی در کمتر از یک سال، همان گفتمان را پیگیری می‌کردند و آیا می‌توانستند آن گفتمان را در میانه این جنگ، فشار، تحریم و محاصره به نتیجه برسانند؟**

موضوع این روزهای کشور و اینکه چرا به اینجا رسیدیم که به قول شما در کمتر از یک سال، دو بار به ما جنگ را تحمیل کردند، بسیار مفصل است. اما دست‌فرمانی که آقای هاشمی برای اداره کشور داشت اگر رعایت می‌شد، کشور به این سطح از تقابل هم نمی‌رسید.

**۴** **اما بسیاری باور دارند جنگ اجتناب‌ناپذیر بود.**

حتی اگر هم چنین بود، در صورت وقوع جنگ، این آسیب‌ها را نمی‌دیدیم. برای مثال در جریان مذاکرات برجام، وقتی دکتر روحانی احساس کرد اختیارات کافی ندارد و خواست استعفا دهد، آقای هاشمی نزد او رفت و گفت که «شما نتنها حق استعفا ندارید، بلکه باید بروید و اختیارات کامل بگیرید». مرحوم هاشمی واقعا روحیه دادند و آقای روحانی از رهبری اختیارات گرفت.

نتیجه آن چند روز دیدارهای فشرده جواد ظریف و جان کری بود که برجام هم شکل گرفت. ایشان معتقد بودند در مواجهه با مشکلات بزرگ مانند آمریکا، باید با عقلایتن و واقع‌گرایی پیش رفت. سیاست، نه صد درصد برد است و نه صد درصد باخت، منافع و ضررها دائمی نیستند. شما می‌بینید که کشورهایمانند روسیه و چین نیز با آمریکا دشمن هستند، اما آنها مذاکره دارند و رودرو گفت‌وگو می‌کنند. درباره ایران هم لزوما این دشمنی نباید به تقابل نظامی فعلی کشیده می‌شد.

**۴** **اگر به خود توبیت بازگردیم، جمهوری اسلامی از ابتدا گفتمانش صرفا موشک بوده است؟**

خیر اتفاقا آقای هاشمی تأکید داشتند که استارت صنعت موشکی را زدن، حمایت کردند و در تحویل دولت به آقای خاتمی نیز صراحتا توصیه کردند که از بنیه دفاعی غفلت نشود. اما نکته اصلی سخن ایشان که متأسفانه با جعل متن تحریف شد، این بود که دنیای آینده را دیگر توپ و تفنگ تعیین نمی‌کند، بلکه گفتمان‌هایی نظیر گفتمان انقلاب اسلامی، آینده دنیا را تعیین می‌کند. چون گفتمان انقلاب با عدالت، ظلم‌ستیزی، مردم‌سالاری شکل گرفته بود، این گفتمان انقلاب تعیین‌کننده خواهد بود. این سخن از بهترین بیانات آیت‌الله هاشمی بود و جعل متن، آن را خراب کرد.

**۴** **به دیاکلیتک شرایط کشور و آن گفتمان برسیم. بسیاری می‌گویند تجربه مک‌فالین، مذاکرات آزادکردن گروگان‌ها در لبنان و مذاکراتی که آیت‌الله هاشمی در دولت خودشان داشتند (کونکو)، هیچ‌کدام به نتیجه نرسید. کما اینکه در دولت آقای خاتمی مذاکرات به نتیجه نزدیک شد، اما در دولت احمدی‌نژاد ناکام نماند. در دولت روحانی مذاکرات برجام نیز به نتیجه کامل نرسید. فارغ از کارشکنی‌هایی که طرف مقابل داشتند، آیا تجربه شکست‌های مذاکرات، اصل مذاکره را زیر سؤال می‌برد؟** مذاکرات به طور کلی، چه در جنگ و چه در غیرجنگ، نهایتا راه‌حل نهایی به شمار می‌روند. به نظر من مذاکره رویه‌ای تفکیک‌ناپذیر و جدایی‌ناپذیر از جنگ‌است. هیچ جنگی در تاریخ وجود ندارد که نهایتا به مذاکره ختم نشده باشد. اگر به تمام جنگ‌های چند دهه اخیر، از جنگ‌های دوره قاجار که بخش‌های زیادی از خاک کشور را از دست دادیم تا جنگ‌های منطقه‌ای نگاه‌ی بیندازید، همه آنها سرانجام به میز مذاکره کشیده شده‌اند. البته اینکه انسان در مذاکره چگونه ظاهر شود و چه کلیدها و ابزارهایی به کار بگیرد، بحثی تخصصی در حوزه دیپلماسی است. ایران در قضیه نشست اسلام‌آباد و سفرهای اخیر عراقی به عمان، پاکستان و روسیه نشان داده اهل اعتطاف است. با این حال، آمریکا عمدتا به دنبال تسلیم کامل طرف مقابل است. به نظر من برای عبور از بن‌بست فعلی، مذاکرات باید از سطح میانجگری پاکستان فراتر برود. اگر روسیه در این موضوع وساطت می‌کرد، شاید زودتر به نتیجه می‌رسیدیم. یا اگر چین این نقش را می‌پذیرفت، وضعیت ما بهتر می‌شد.قاعدتا پاکستان، هرچند دست‌نشانده آمریکا نیست، اما در طیف‌بندی سیاسی جزء نزدیک‌ترین متحدان آمریکاست و نمی‌توان انکار کرد که مقامات پاکستانی و ارتش پاکستان تمایلات جدی به نظرات واشنگتن دارند.

**۴** **اگر توبیت منتسب به آقای هاشمی را دوباره مینا قرار دهیم، بسیاری اکنون می‌گویند که در جنگ ۲۰روزه و جنگ ۴۰روزه، اگر همان موشک‌ها به ما داد نمی‌رسید، چیزی از ایران باقی نمی‌ماند. البته شما گفتید که قطعا آیت‌الله هاشمی با خود موشک مشکلی نداشتند؟**



به نظر من اصل طرح مسئله غلط است؛ چون گاهی خود سؤال غلط است. حتی اگر ظاهر خوبی داشته باشد.

### ۴ چرا؟

من مثال بمب اتم را بزنم. اسرائیل بمب اتم دارد، اما نمی‌تواند علیه ما استفاده کند؛ به هر دلیل که باشد، قادر به این کار نیست. نه در جنگ ۱۲روزه و نه جنگ ۲۰روزه این روی نداد. بنابراین به نظر من، اصل سؤال غلط است. اساسا مبنایش یک مبنای اطلاعاتی غلط است، چون آقای هاشمی اساسا مخالف تقویت بنیه دفاعی نبودند. همان‌طورکه عرض کردم، فرموده بودند که نباید از تقویت بنیه دفاعی غفلت کنیم. در عین حال معتقد بودند باید بینیم دنیا چگونه پیشرفت کرده است و به سمت تقویت زیرساخت‌های خود حرکت کنیم. البته طرف مقابل نیز و به‌ویژه ترامپ غیرقابل پیش‌بینی است. بسیاری تصور نمی‌کردند که ما دو بار حین مذاکره مورد حمله قرار بگیریم. البته من سال‌ها پیش پیش‌بینی کرده بودم که جنگ اول و جنگ دوم بدتر خواهد شد. با این حال، ما همچنان مذاکره می‌کردیم. بدعهدی وجود دارم، اما جهان دیپلماسی و سیاست ابزارهای خاص خود را دارد که باید به موقع از آنها استفاده کرد.

**۴** **جناب رجایی، حیفم می‌آید این سؤال را نپرسم. از خود آقای محسن هاشمی نیز پرسیدم. آقای قالیباف درباره مذاکرات و حملاتی که به او شده، گفته بود: «من از جان و آبرویم برای مردم می‌گذرم». اکنون شرایطی پیش آمده که می‌گویند نقش آقای قالیباف شبیه نقش آیت‌الله هاشمی در سال ۱۳۶۷ شده است. آیا خودتان واقعا چنین شباهتی می‌بینید؟ آیا آقای قالیباف می‌تواند مانند هاشمی برای سال ۱۳۶۷ باشد و کشور را به یک ساحل امن برساند؟**

من مصاحبه شما را دیدم و می‌دانم که صریح سؤال می‌کنید و جواب صریح هم خواهید. پس صریح می‌گویم که من موافق شبیه‌سازی چهره‌ها در تاریخ نیستم. اساسا منزلت و وزن آقای هاشمی با افراد بعد از ایشان فاصله بسیار زیادی دارد. حتی در آن زمان که می‌گفتند «روحانی، نسخه دوم هاشمی است»، من مصاحبه‌ای کردم و گفتم «هاشمی، نسخه دوم نداره، ببینید، نقشی که آقای قالیباف اکنون با هماهنگی رهبری در مذاکرات ایفا می‌کند، قاعدتا نقش ممتاز است و ایشان از خود مایه می‌گذارد که متأسفانه مورد تعرض و اهانت اصولگرایان قرار گرفته است. ما دیدیم چه اهانتهایی به ایشان شده و چه شایعاتی برای تضعیف او ساخته شده است. با این حال، ایشان حتما با رهبری در امر مذاکره هماهنگ است. از این جهت که می‌خواهیم به سمت پایان این جنگ حرکت کنیم و آن را تکرار نکنیم.

# داستان یک توبیت بعد از یک دهه

می‌توان گفت در رگه‌هایی همسانی با آقای هاشمی دارد. اما آقای هاشمی در این اندازه‌ها ظاهر نمی‌شد. آقای هاشمی یک استراتژیست بود؛ یعنی دست‌فرمان را به‌گونه‌ای تنظیم کرد که کار به اینجا نکشد.

آیت‌الله هاشمی در سال ۱۳۶۲ به آقای شمخانی گفته بودند این جنگ برنده ندارد و جنگ را تمام کنید. ایشان (هاشمی) دنبال ختم جنگ بودند؛ این موضوع مهمی است. وقتی تمام کشور فریاد «جنگ جنگ تا پیروزی» و «جنگ جنگ تا رفع فتنه» سر می‌داد، ایشان چنین استراتژی‌ای در ذهن داشت. البته امام (ره) بالاسر ایشان بودند و باید با ایشان هماهنگ می‌شد و مسیر را دنبال کرد. اما بعد از حادثه حلبچه، آیت‌الله هاشمی امام را متقاعد کرد که اگر صدام به‌جای حلبچه، تهران، تبریز و مشهد را شیمیایی بزند، ما چه خواهیم کرد؟ آدمی که با مردم خودش چنین می‌کند، چرا با مردم ما نکند؟

**۴** **کما اینکه کرد؛ حمله شیمیایی سردهشت را فراموش نمی‌کنم…**

درست، اما سردهشت یک شهر کوچک بود. اما بحث اینکه صدام به شهرهای بزرگ بیاید و مثلا تهران را شیمیایی بزند، فاجعه‌ای بسیار بزرگ‌تر بود.

**۴** **شما گفتید مخالف این نوع شبه‌سازی بین قالیباف و هاشمی هستید، اما بسیاری می‌گویند آیت‌الله هاشمی آن موقع رئیس مجلس بود و اکنون آقای قالیباف نیز رئیس مجلس است. حالا وزن شخصیتی قطعا مسئله بالاتری است، اما به جایگاه اشاره می‌کنم…**

من قبل‌تر گفتم که مشابهت‌هایی می‌توان یافت، اما

بحث این است که ببینید، آقای هاشمی اگر در این شرایط بود، مرد مذکور نبود که بنشیند و خودش مستقیم مذاکره کند، بلکه کسی بود که استراتژی مذاکره را می‌چید. اما این نقش در سال‌های بعد از جنگ و دوره ریاست‌جمهوری از آیت‌الله هاشمی گرفته شد. من به یاد دارم در مقطعی برای سفر زارتی به عربستان، پنج کمیته تشکیل شد تا رابطه با عربستان که در دوره احمدی‌نژاد خراب شده بود را با ظاهری خوب بازسازی کند، اما این کار به ایشان داده نشد. خود ایشان می‌گفتند می‌خواهند احیای روابط با عربستان به نام من تمام نشود. حالا می‌خواهم بگویم اگر هم آیت‌الله هاشمی در قید حیات بودند، شاید ایشان بیشتر نقش نصیحت و مشورت می‌کردند. ولی تصور من این است که ما نگوییم فقط به خاطر اینکه آقای هاشمی رئیس مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد، من نمی‌دانم. قاعدتا در این مجلس بوده مشابهت وجود دارد. اینها به نظر من چیز مهمی نیست؛ چون اکنون موقعیت آقای هاشمی پیش امام راحل و رهبری دوم بود که خود (آیت‌الله خامنه‌ای)، اوایل گفته بودند هیچ‌کس برای من مانند هاشمی نمی‌شود. الان این موقعیت را آقای قالیباف به اصطلاح نژد رهبری جدید چقدر دارد،